

## ارث زوجه از زمین

احمد احمدی تبار

استاد حوزه و دانشگاه

### چکیده

میراث زوجه از اموال زوج از مسائلی است که تمامی فقهاء متقدم و متأخر به آن پرداخته‌اند. در اصل ارث بردن زوجه از زوج هیچ اختلافی نیست اما در مسائلی مانند توارث یا عدم توارث میان زوجین در عقد انقطاع و هم چنین میراث زن از زمین زوج که از اموال غیر منقول است نظرات متعددی وجود دارد. در این نوشتار ابتدا مسائل اصلی در بحث ارث به طور اجمال بیان شده سپس نظرات متعدد در خصوص توارث یا عدم توارث میان زوجین منقطعه مورد بررسی قرار گرفته و در پایان نظر فقهاء بزرگی مانند ابن جنید، شیخ مفید، سید مرتضی، شیخ طوسی و همچنین محقق حلی در باره میراث زوجه از اموال غیر منقول زوج به طور عام که شامل زمین هم می‌شود به تفصیل بیان شده است. مستند هر یک از این بزرگان آیات، روایات و اجماع است. روایات به سه دسته قابل تقسیم است دسته اول روایاتی که ظاهرشان دلالت بر محرومیت زوجه از ارث مطلق زمین دارد بی‌آنکه متعرض کیفیت ارث او از ساختمان باشد دسته دوم روایاتی که ظاهر آنها دلالت بر محرومیت زوجه از ارث عقار و ضیاع و ارث بردن او از عین ساختمان دارد و دسته سوم روایاتی که دلالت بر تفصیل در ارث زوجه دارند. در نهایت باید توجه داشت با توجه به اینکه آیات قرآن صریح در ارث بردن زوجه از زوج است و عدم همگونی در روایات می‌توان چنین بیان که زوجه از اموال منقول زوج ارث می‌برد و همچنین از قیمت اموال غیر منقول و قیمت زمین نیز ارث می‌برد.

**کلیدواژه‌ها:** ارث، زوجه، زوج، اموال منقول، اموال غیر منقول، عقار

## بیان مسئله

ارث یکی از قوانینی است که در زمان تشریعش با آنچه پیش از اسلام به عنوان ارث مرسوم بود تفاوت داشت به طوری که بعنوان حکم تأسیسی اسلام مطرح می‌گردد یکی از موجبات توارث، نکاح است که طرفین آن یعنی همسران از یکدیگر ارث می‌برند بسیاری از مسائل توارث زوجین مورد توافق فقها است اما در مورد ارث زنان از زمین زوج از جهت عین و قیمت، نظرات و فتاوی متفاوتی وجود دارد در این نوشتار پس از بیان کلیاتی در باره ارث، میراث زوجین از اموال منقول و زمین که از اموال غیر منقول است مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### ۱. معنای ارث

راغب در مفردات ارث را چنین معنا می‌کند: «الْوَرَاثَةُ وَالْإِثْرُ: انتقال قنیه إلیک عن غیرک من غیر عقد، و لا ما یجرى مجرى العقد، و سَمِيَ بذلك المنتقل عن المیت فیقال للْقَنِیَةِ الْمَوْرُوثَةُ: مِیرَاثٌ وَ إِرْثٌ.» (راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ هـ ق، ص ۱۶۵). وراثت و ارث منتقل شدن مالی است بتو از دیگری بدون خریدن و نظیر آن. بدین جهت مال میت را میراث، ارث و تراث گفته‌اند (راغب) طبرسی فرموده: «المیراث ما صار للباقی من جهة البادی» (طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۷۶۲). میراث آن است که پس از گذشتن کسی بدیگری مانند تعبیر طبرسی رحمه الله از راغب جامعتر و رساتر است.

احمد بن فارس در تعریف ارث می‌نویسد: هو أن یكون الشَّیْءُ لِقَوْمٍ ثم یصیرَ إلی آخرین بنسبٍ أو سبب. (ابو الحسین، احمد بن فارس ۱۴۰۴ هـ ق ج ۶، ص: ۱۰۵)

طریحی در مجمع البحرین نیز در تعریف تراث آورده است: ما یخلفه الرجل لورثته. (طریحی، فخر الدین، ۱۴۱۶ هـ ق ج ۲، ص: ۲۶۷).

ارث به معنای انتقال کل یا جزئی از شیء از شخص یا موضوعی است که حیاتش به پایان رسیده به دیگری اعم از اینکه مادی باشد یا معنوی

وارث کسی است که شی به او منتقل می‌گردد و موروث کسی است که بعد از پایان عمرش شی از او منتقل می‌شود و میراث آن چیزی است که منتقل می‌شود مانند شیء مادی و یا علم و یا مقام که معنوی است. (قرشی، سید علی اکبر ۱۴۱۲ هـ ق ج ۷، ص: ۱۹۵)

وارث مطلق خدای عز و جل است که ازلی و ابدی است و همه چیز به سوی او باز می‌گردد خدایی که مرجع و مقصد خلائق است او وارث مطلق از همه خلائق است و هیچ چیز از او ارث نمی‌برد (مصطفوی، حسن، ۱۴۰۲ هـ ق، ج ۱۳، ص: ۷۹)

## ۲. مقدمات ارث

قبل از پرداختن به میراث زوجه به طور خاص، لازم است از باب مقدمه موجبات ارث، موانع آن و سهام زوجین بررسی گردد.

### ۲-۱. موجبات ارث

آنچه موجب ارث می‌شود یا نسب است و یا سبب؛ موجبات نسبی سه طبقه‌اند: طبقه اول- پدر و مادر و فرزندان می‌باشند اگر چه پایین بروند. طبقه دوم- اجداد و جددها- اگر چه بالا بروند- و برادرها و خواهرها و اولاد آنها-- اگر چه پایین بروند. طبقه سوم- عموها و عمه‌ها و دایی‌ها و خاله‌ها- اگر چه بالا بروند- و اولاد آنها- اگر چه پایین بروند- می‌باشند؛ به شرطی که این عناوین عرفاً بر آنها صدق کند. و موجبات سببی دو قسم است: «زوجیت» و «ولاء». و ولاء سه طبقه دارد: «ولاء عتق» سپس «ولاء ضمان جریره» سپس «ولاء امامت» (خمینی، سید روح الله موسوی ج ۲، ص ۳۶۳).

در اینجا بیان دو نکته مهم است:

اول: بقاء صدق نسب در عرف، شرط در ارث بردن است و الا نسب عمومیت می‌یافت و ولاء باطل می‌شد.

دوم: از محقق طوسی حکایت شده که ایشان قبل از ولاء امامت دو ولاء را افزوده یکی ولاء مسلمان نسبت به کسی که به دست او اسلام آورده و دوم ولاء مستحق زکات زمانی که برده ای را از

زکات خریده و آزاد کند ولی این قول ضعیف و شاذ است. (لنکرانی، محمد فاضل ۱۴۲۱ هـ ق، ص: ۳۱۴)

## ۲-۲. موانع ارث

از جمله موانع ارث چیزهایی است که حاجب و مانع از اصل ارث بردن می شود و آن حجب الحرمان است که پنج مورد است:

اول: کفر به اقسامش دوم: قتل است سوم از موانع ارث: رق بودن است چهارم: متولد شدن از زنا است پنجم: لعان است.

و اما حجب نقصان ارث یعنی آنچه که از قسمتی از ارث جلوگیری می کند چند امر است:

اول- قتل خطائی و شبه عمد که مانع ارث بردن قاتل از خصوص دیه است

دوم- بزرگترین فرزندان ذکور است که بقیه ورثه را از ارث بردن خصوص «حبوه» جلوگیری می کند.

سوم- فرزند است مطلقا- مرد باشد یا زن، یکی باشد یا متعدد، بدون واسطه باشد یا با واسطه که موجب می شود یکی از زوجین دیگری را از سهم اعلاش - یعنی نصف و ربع- جلوگیری کند.

چهارم- وارث است مطلقا نسبی و سببی- مرد باشد یا زن، یکی باشد یا متعدد که موجب می شود یکی از زوجین از بیشتر از فریضه شان- نصف یا ربع یا ثمن- جلوگیری کند؛ پس با زیادی ترکه از فریضه به غیر آنها رد می شود. ولی اگر وارث منحصر به زوج و امام × باشد زوج، نصف را به عنوان فریضه ارث می برد و نصف دیگر به او رد می شود، به خلاف آنکه منحصر به زوج و امام × باشد؛ زیرا ربع آن مال زن و بقیه مال امام × است.

پنجم- کم بودن ترکه از سهم های مفروض است: این نقص جلوگیری می کند دختر یگانه را و خواهر یگانه پدر و مادری یا پدري را از فریضه شان که نصف است، و همچنین دخترهای متعدد و خواهرهای متعددی که از پدر و مادر یا از پدر باشند از فریضه شان که دو

ثلث است جلوگیری می‌کند؛ پس اگر میت يك دختر و پدر و مادر و شوهر یا دخترهای متعدد و پدر و مادر و شوهر داشته باشد، نقص بر دختر یا دخترها وارد می‌شود. و همچنین است در بقیه فرضها.

ششم- خواهر پدر و مادری یا پدری است که برادر و خواهر مادری را از رد آنچه که بر فریضه‌شان زیاد می‌آید، جلوگیری می‌کند. همچنین خواهرهای متعدد پدر و مادری یا پدری که اینها برادر یگانه مادری یا خواهر یگانه مادری را از رد آنچه که بر فریضه‌شان زیاد می‌آید جلوگیری می‌کنند.

و همچنین است یکی از جد و جدّه پدری که برادر و خواهر مادری را از آنچه که بر فریضه آنها زیاد می‌آید جلوگیری می‌کند.

هفتم- فرزند است اگر چه پائین برود- یکی باشد یا متعدد- که پدر و مادر را از زیادتیر از سدس که فرض آنها است، جلوگیری می‌کند و لیکن از زیاده به عنوان رد جلوگیری نمی‌کند.

هشتم- برادرها و خواهرها- نه اولاد آنها- می‌باشند: برادر و خواهرهای میت، مادر را از زیاده بر سدس به عنوان فرض و ردّ به شروطی جلوگیری می‌کنند:

شرط اول: برادر، کمتر از دو نفر یا خواهر کمتر از چهار نفر نباشد و يك برادر و دو خواهر کفایت می‌کند.

شرط دوم: برادرها در وقت فوت مورث، در دنیا زنده باشند؛ پس میت و حمل حاجب نمی‌باشد.

شرط سوم: برادرها از پدر و مادر یا از پدر، برادر میت باشند؛ پس برادر فقط مادری حاجب نمی‌باشد.

شرط چهارم: پدر میت در وقت فوت او زنده باشد.

شرط پنجم: برادرها و پدر به جهت کفر و رق بودن و متولد شدن برادرها از زنا و قاتل مورث بودن پدر، ممنوع از ارث نباشند. و اگر برادرها که مانع می‌باشند قاتل مورث باشند

دارای اشکال است پس احتیاط، ترك نشود.

شرط ششم: بین حاجب و محجوب مغایرت باشد. و عدم آن در وطی شبهه تصور می شود. (خمینی، سید روح الله، ج ۲، ص ۳۷۲)

### ۲-۳. سهام زوجین

برای هر یک از زوجین دو سهم اعلی و ادنی وجود دارد که در سه مورد بیان شده است.

اول- نصف (یک دوم)

سهم شوهر است در صورتی که زوجه فرزندی - اگر چه پایین برود - نداشته باشد. قال الله تعالى وَلَكُمْ نِصْفُ مَا تَرَكَ أَزْوَاجُكُمْ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُنَّ وَلَدٌ (نساء، آیه ۱۲)

دوم- ربع (یک چهارم)

و آن مال شوهر است در صورتی که زوجه فرزندی داشته باشد، اگر چه پایین برود، قال الله تعالى فَإِنْ كَانَ لَهُنَّ وَلَدٌ فَلَكُمْ الرُّبْعُ مِمَّا تَرَكَنَّ، (نساء، آیه ۱۲) و مال زوجه است اگر شوهر فرزندی نداشته باشد، اگر چه پایین برود، قال الله تعالى وَلَهُنَّ الرُّبْعُ مِمَّا تَرَكَتُمْ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَكُمْ وَلَدٌ (نساء، آیه ۱۲)

سوم- ثمن (یک هشتم)

و آن مال زوجه است در صورتی که شوهر فرزندی داشته باشد اگر چه پایین برود، قال الله تعالى فَإِنْ كَانَ لَكُمْ وَلَدٌ فَلَهُنَّ الثُّمْنُ مِمَّا تَرَكَتُمْ. (نساء، آیه ۱۲)

نظر امام خمینی این است که زوجین وراثتشان مطلقاً به فرض است مگر در يك صورت و آن موردی است که وارث، منحصر به امام × و زوج باشد.

ایشان در مسأله دوم می نویسند: زیاده بر فرضها بر چند طایفه از صاحبان فروض برنمی گردد.

اول: زوجه مطلقاً؛ پس فرض زوجه داده می شود و بقیه آن بر غیر زوجه از طبقات حتی امام × بر می گردد.

دوم: زوج؛ پس فرض او داده می‌شود و بقیه آن بر غیر او داده می‌شود مگر اینکه وارث میت، منحصر به او و به امام × باشد که در چنین صورتی نصف آن علاوه بر فرض به او بر می‌گردد. (خمینی، سید روح الله، ج ۲، ص: ۳۷۸)

### ۳. شروط ارث در زوجین

در ارث بردن زوجین از یکدیگر دو شرط بیان شده است که عبارتند از:

#### ۳-۱. دائمی بودن عقد

صرف رابطه زوجیت باعث توارث نمی‌شود بلکه نوع زوجیت و نکاح باید به صورت دائمی باشد تا پس از فوت یکی از زوجین دیگری از وی ارث ببرد امام خمینی & در این باره چنین می‌نویسد: «یشترط فی التوارث بالزوجية أن يكون العقد دائماً» (لنکرانی، محمد فاضل ۱۴۲۱ هـ ق، ص: ۴۵۵)

در ذیل این مسئله دو نکته قابل بررسی است: یکی مسئله تعدد زوجات و دیگری در مورد نکاح منقطع  
در صورت تعدد زوجات سهم تمام زوجه‌ها به میزان معین شده است و سهم مذکور بین آنها بالسویه تقسیم می‌گردد:

إن تعددت الزوجات فالثلث مع وجود الولد فالربع مع عدمه يقسم بينهما بالسوية، فلهن الربع أو الثلث من التركة، ولا فرق في منع الولد عن نصيبها الأعلى بين كونه منها أو من غيرها، أو كان من دائمة أو منقطة، ولا بين كونه بلا واسطة أو معها، والزوجة المطلقة حال مرض الموت شريكة في الربع أو الثلث مع الشرائط المتقدمة (لنکرانی، محمد فاضل ۱۴۲۱ هـ ق، ص: ۴۶۱)

اما در باره توارث در نکاح منقطعه اختلاف است و چهار نظر وجود دارد. (عاملی، شهیدثانی- زین الدین بن علی، ۱۴۱۳ هـ ق، ج ۷، ص ۴۷۱-۴۶۷) که عبارتند از:  
الف. نکاح منقطع توارث را اقتضاء می‌کند مانند نکاح دائم حتی اگر شرط سقوط توارث

شود، شرط باطل می‌شود مانند نکاح دائم چرا که مقتضی ارث، عقد است و نه چیز دیگری که این قول ابن براج (طرابلسی، ابن براج، قاضی، عبدالعزیز، ۱۴۰۶ هـ ق، ج ۲، صص ۲۴۰-۲۴۲) است که به عمومیت آیه ۱۲ (سوره نساء) استناد کرده است

ب. عکس دسته اول که معتقدند توارث در نکاح منقطع وجود ندارد، خواه شرط توارث یا عدم توارث شده باشد یا اینکه اصلاً شرطی نشده باشد

این قول ابن ادریس (حلی، ابن ادریس، محمد بن منصور بن، ۱۴۰۶ هـ ق، ج ۲، ص ۶۲۴)، ابوالصلاح (حلی، ابوالصلاح، تقی الدین بن نجم الدین، ۱۴۰۳ هـ ق، ص ۲۹۸) و علامه (حلی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، ۱۴۱۳ هـ ق ص ۵۶۱) در یک قولش و فرزندش فخرالمحققین (حلی، فخرالمحققین، محمد بن حسن بن یوسف، ۱۳۸۷ هـ ق، ج ۳، ص ۱۳۲) است و ظاهر این است که اکثر متأخرین بر این نظر می‌باشند و برای اثبات گفته خود به اصل عدم استناد کرده‌اند

ج. نکاح منقطع توارث را اقتضاء نمی‌کند اما اگر شرط توارث شود توارث به تبع شرط ثابت می‌شود اما اگر شرط توارث نشود نکاح منقطع، توارث را اقتضاء نمی‌کند و به عمومیت «المسلمون عند شروطهم» (نوری، محدث، میرزا حسین، ۱۴۰۸ هـ ق، ج ۱۶، ص ۸۵) استناد کرده‌اند این قول را شیخ و اتباع او غیر از قاضی ابن براج اختیار کرده‌اند. (طوسی، محمد بن الحسن، ۱۴۰۷ هـ ق، ج ۷، ص ۲۶۴، ذیل ح ۱۱۴۲؛ الإستبصار فیما اختلف من الأخبار، ۱۳۹۰ هـ ق، ج ۳، ص ۱۴۹)

د. عکس قول سوم و اینکه زوج و زوجه اگر شرط سقوط توارث نکنند از یکدیگر ارث نمی‌برند چرا که مقتضی ارث، عقد می‌باشد نه چیز دیگر. این قول سید مرتضی است. (شریف مرتضی، علی بن حسین موسوی، ۱۴۱۵ هـ ق، ص ۱۱۴) و نظر ابن ابی عقیل است (آبی، فاضل، حسن بن ابی طالب، ۱۴۱۷ هـ ق، ج ۲، ص ۱۵۷) که در ثبوت توارث در صورت نبودن شرط سقوط به عمومیت آیه ۱۲ / نساء) استناد نموده و شرط سقوط توارث با شرط سقوط را با استناد به عمومیت «المؤمنون عند شروطهم» اثبات نموده‌اند.

## ۳-۲. زوجه در حبال زوج باشد

دومین شرط این است که زوجه در حبال زوج باشد خواه دخولی صورت گرفته باشد و خواه نگرفته باشد مطلقه رجعیه مادامی که در عده است در حکم زوجة است و اگر یکی از زوجین در عده رجعیه بمیرد دیگری از او ارث می برد بخلاف زمانی که در عده طلاق بائن بمیرند.

در صحیح محمد بن قیس آمده است که ابی جعفر × فرمود:

إذا طَلَّقَتِ الْمَرْأَةُ، ثُمَّ تَوَقَّيَ عَنْهَا زَوْجَهَا، وَهِيَ فِي عِدَّةٍ مِنْهُ لَمْ تَحْرَمْ عَلَيْهِ، فَإِنَّهَا تَرِثُهُ وَيَرِثُهَا مَا دَامَتْ فِي الدَّمِ مِنْ حَيْضِهَا الثَّانِيَةِ مِنَ التَّطْلِيقَتَيْنِ الْأُولَتَيْنِ، فَإِنْ طَلَّقَهَا الثَّلَاثَةَ فَإِنَّهَا لَا تَرِثُ مِنْ زَوْجِهَا شَيْئاً وَلَا يَرِثُ مِنْهَا. (وسائل الشیعه، ج ۲۶، ص ۲۲۳)

در صحیح حلبی، از امام صادق × روایت شده که فرمود: إذا طَلَّقَ الرَّجُلُ وَهُوَ صَحِيحٌ لَا رَجْعَةَ لَهُ عَلَيْهَا لَمْ يَرِثْهَا، وَقَالَ: هُوَ يَرِثُ وَيُورِثُ مَا لَمْ تَرَ الدَّمُ مِنَ الْحَيْضَةِ الثَّلَاثَةِ، إِذَا كَانَ لَهُ عَلَيْهَا رَجْعَةٌ. (وسائل الشیعه، ج ۲۶، ص ۲۲۳)

موردی که استثناء شده صورتی است که زوج، زوجه اش را در حال مرض، طلاق بائن داده باشد و به سبب همان مرض بمیرد که در این صورت از حین فوت تا یکسال البتة با سه شرط ارث می برد.

شرط اول: طلاق به درخواست زن صورت نگرفته باشد (=طلاق خلع و مباراة نباشد)

شرط دوم: بعد از انقضاء عده، زن ازدواج نکرده باشد

شرط سوم: زوج از مرضی که در آن زوجه را طلاق داده بهبودی نیافته و با مریضی دیگری ولو مثل مرض اول نمرده باشد

## ۴. مقدار ارث زوجه

فقهایی امامیه بدون اختلاف معتقدند که زن از بعض مایاتک زوجه به طور اجمالی محروم می باشد و تنها کسی که به او نسبت خلاف داده اند ابن جنید است. مستند امامیه در این حکم روایات کثیر و متواتر است که مخصص عمومیت آیه می باشد.

#### ۴-۱. میراث زوجه از اموال منقول

زن از همه اموال منقول ارث می‌برد. (خمینی، سید روح الله موسوی، توضیح المسائل ۱۴۲۶ هـ ق ص، ۵۹۱ / گیلانی، فومنی، محمد تقی بهجت، رساله توضیح المسائل ۱۴۲۸ هـ ق، ص: ۴۴۹ / تبریزی، جعفر سبحانی، رساله توضیح المسائل (۱۴۲۹ هـ ق، ص: ۴۸۲ / شیرازی، ناصر مکارم، احکام بانوان، ۱۴۲۸ هـ ق، ص: ۲۳۴) از عین اموال ارث می‌برد. (گلپایگانی، سید محمد رضا موسوی، ۱۴۰۹ هـ ق ج ۵، ص: ۱۶۳)

#### ۴-۲. میراث زوجه از زمین

میراث زوجه از زمین از مسائل بحث‌انگیز فقهی است.

پنج قول معروف در این مسأله وجود دارد:

۱. زوجه به طور مطلق از عین همه ترکه ارث می‌برد. (ابن جنید)
۲. زوجه از عین و قیمت رباع- اراضی مسکونی- هیچ ارثی نمی‌برد اما از عین دیگر زمینها و از قیمت ابزار و مصالح ساختمانی ارث می‌برد. (شیخ مفید)
۳. زوجه از عین خانه و زمین مسکونی ارث نمی‌برد ولی از قیمت آنها و از عین زمینهای دیگر ارث می‌برد (سید مرتضی)
۴. زوجه اگر دارای فرزند باشد، از عین همه زمینها ارث می‌برد و اگر بدون فرزند باشد هیچ ارثی از زمینها نمی‌برد و فقط از قیمت ابزار و مصالح ساختمانی ارث می‌برد. (شیخ طوسی و فقههای پس از او)
۵. زوجه به طور مطلق، نه از عین و نه از قیمت اموال غیر منقول ارث نمی‌برد. فقط از قیمت ابزار و آلات و مصالح ساختمانی ارث می‌برد. (نظر مشهور متأخرین)

#### قول اوّل: نظر ابن جنید

ابن جنید- بنابر آنچه علامه حلی در کتاب مختلف از او نقل کرده است- می‌گوید:

و إذا دخل الزوج أو الزوجة على الولد والأبوين، كان للزوج الربع، وللزوجة الثمن من جميع

## ارث زوجه از زمین □ ۱۱

التركة عقارا أو أثاثا وصامتا ورقيقا و غير ذلك، وكذا إن كنّ أربع زوجات، و لمن حضر من الأبوين السدس، و إن حضرا جميعا السدسان، و ما بقى للولد. و لم يخصّص الولد بآنه من الزوجة. (حلّی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، بی تاج ۹، ص: ۵۳)

هرگاه ورثه، زوج و زوجه و فرزند و پدر و مادر باشند، زوج يك چهارم و زوجه يك هشتم از همه تركه منقول و غير منقول ارث می برد و به هريك از پدر و مادر يك ششم می رسد و باقی مانده به فرزند می رسد. ابن جنید فرزند را به فرزندی که از همین زوجه باشد، اختصاص نداد. بنابر این طبق نظر ابن جنید زوجه از زمین ارث می برد مطلقاً.

### قول دوم: نظر شیخ مفید

زوجه از زمین خانه هیچ ارث نمی برد - نه از عین زمین و نه از قیمت آن - ولی از قیمت ساختمانها و از عین اموال دیگر حتی از قری و املاک کشاورزی ارث می برد. این قول، نظر شیخ مفید در مقنعه است:

ولا ترث الزوجة شينا مما يخلفه الزوج من الرباع و تعطى قيمة الخشب و الطوب و البناء و الآلات فيه و هذا هو منصوص عليه عن نبي الهدى عليه و آله السلام و عن الأئمة من عترته ^ و الرباع هي الدور و المساكن دون البساتين و الضياع. (بغدادی، مفید، محمد بن محمد بن نعمان عکبری، ۱۴۱۳ هـ ق، ص ۶۸۷)

زوجه از زمین خانه - رباع - شوهر هیچ ارث نمی برد و از قیمت چوب و آجر و ساختمان و ابزار و آلات آن ارث می برد. این حکم منصوص از جانب پیامبر ا و ائمه ^ است. رباع عبارت است از خانه و مسکن و شامل باغ و زمین کشاورزی نمی شود.

عبارت شیخ مفید نسبت به این که زوجه از مورث فرزند داشته یا نداشته باشد، ساکت است. از این رو از عبارت او چنین استفاده می شود که زن به طور کلی از ارث رباع محروم است چه فرزند داشته و چه نداشته باشد.

طبق این نظر ارث بردن زوجه از زمین تفصیل داده شده: اگر زمین خانه و مسکن باشد زوجه ارث نمی برد اما اگر زمین باغ و کشاورزی باشد ارث می برد.

### قول سوم: نظر سید مرتضی

این نظر سید مرتضی که زوجه از قیمت زمین خانه و ساختمانهای آن و از عین اموال دیگر حتی قری و املاک کشاورزی ارث می‌برد در کتاب انتصار است:

و مما انفردت به الإمامية: أن الزوجة لا تورث من رباغ المتوفى شيئا، بل تعطى بقيمتها حقها من البناء والآلات دون قيمة العراص و خالف باقي الفقهاء في ذلك، و لم يفرقوا بين الرباع وغيرها في تعلق حق الزوجات. (شريف مرتضى، على بن حسين موسوى، بی‌تا، ص: ۵۸۵)

از احکام اختصاصی فقه امامیه آن است که زوجه از رباع هیچ ارث نمی‌برد، بلکه به قیمت آن از ساختمان و ابزار و آلات آن و نه قیمت عرصه، حق او داده می‌شود. دیگر مذاهب فقهی با این حکم مخالف بوده و در حق ارث همسران تفاوتی میان زمین خانه و غیر آن قائل نیستند. به نظر من این مسئله همچون مسئله اختصاص قرآن و شمشیر به پسر بزرگتر است. رباع گرچه به زوجات داده نمی‌شود ولی قیمت آن برای ایشان محسوب می‌شود. دلیل تأیید نظر ما همان است که در مسئله پیشین بیان شد. ممکن است وجه محرومیت زن از ارث رباع آن باشد که چه بسا او با دیگری ازدواج کند و کسی را ساکن این خانه کند که رقیب متوفی بوده یا به او غبطه و حسد می‌ورزیده و این بر اهل و عشیره متوفی گران باشد. محرومیت زن از ارث عین خانه با پرداخت قیمت آن به او به بهترین وجه جبران شده است.

### قول چهارم: نظر شیخ طوسی

زوجه اگر فرزندی از مورث نداشته باشد، نه از عین و نه از قیمت زمین ارث نمی‌برد، ولی از قیمت ساختمان و ابزار و آلات ساختمانی و از درختان ارث می‌برد، اما اگر زوجه دارای فرزندی از مورث باشد، از عین همه اموال ارث می‌برد. این نظر صریح شیخ طوسی و پیروان او، بلکه نظر مشهور فقهای بعد از اوست.

شیخ طوسی در نهاییه می گوید:

و المرأة لا ترث من زوجها من الأرضين و القرى و الرباع من الدور و المنازل، بل يقوم الطوب و الخشب و غیر ذلك من الآلات، و تعطى حصتها منه، و لا تعطى من نفس الأرض شيئا.

و قال بعض أصحابنا: إن هذا الحكم مخصوص بالدور و المنازل دون الأرضين و البساتين. و الأول أكثر في الروایات، و أظهر في المذهب. و هذا الحكم الذي ذكرناه، إنما يكون إذا لم يكن للمرأة ولد من الميت. فإن كان لها منه ولد، أعطيت حقها من جميع ما ذكرناه من الضیاع و العقار و الدور و المساكن.» (طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، النهاية في مجرد الفقه و الفتاوى، ۱۴۰۰ هـ ق ص: ۶۴۲)

زن از زمین شوهر خود ارث نمی برد، فقط قیمت مصالح ساختمان حساب می شود و سهم او از آن داده می شود و از اصل زمین چیزی به او نمی رسد. برخی از فقهای ما قائلند که این حکم مخصوص زمین خانه است و شامل زمینهای کشاورزی و باغها نمی شود، ولی رأی اول در روایات بیشتر آمده و در مذهب روشن تر است. این حکم در صورتی است که زن فرزندی از مورث نداشته باشد، اما اگر دارای فرزندی از مورث باشد، حق او از همه اموال از جمله از زمینهای کشاورزی و مسکونی و خانه ها پرداخت خواهد شد.

محقق حلی در شرایع می نویسد:

إذا كان للزوجة من الميت ولد ورثت من جميع ما ترك و لو لم يكن لم ترث من الأرض شيئا و أعطيت حصتها من قيمة الآلات و الأبنية و قيل لا تمنع إلا من الدور و المساكن و خرج المرتضى & قولاً ثالثاً و هو تقويم الأرض و تسليم حصتها من القيمة و القول الأول أظهر (حلی، محقق، نجم الدین، جعفر بن حسن، شرائع الإسلام ۱۴۰۸ هـ ق ج ۴، ص، ۲۸)

هرگاه زوجه از مورث فرزندی داشته باشد، از همه ما ترك ارث می برد، و اگر دارای فرزندی از او نباشد، از زمین هیچ ارث نمی برد ولی از قیمت ساختمانها سهم خود را می برد. گفته شده که زن فقط از خانه و زمین مسکونی ارث نمی برد و سید مرتضی قول سوم را آورده است و آن قیمت گذاری زمین و پرداخت سهم زن از قیمت آن است. قول اول روشن تر است.

## قول پنجم: نظر محقق حلی

همان قول چهارم است بدون تفصیل میان زوجۀ دارای فرزند و بدون فرزند محقق حلی در کتاب المختصر النافع، بین زن دارای فرزند و بدون فرزند تفصیل نداده و فتوای خود را به عقار اختصاص داده است:

و یرث الزوج من جمیع ما ترکته المرأة، و کذا المرأة عدا العقار، و ترث من قيمة الآلات و الأبنية، و منهم من طرد الحكم فی أرض المزارع و القرى، و علم الهدی یمنعها العین دون القيمة. (حلی، محقق، نجم الدین، جعفر بن حسن، المختصر النافع، ۱۴۱۸ هـ ق ج ۲، ص: ۲۷۲)؛ شوهر از همه ما ترک زن خود ارث می برد و زن نیز از همه ما ترک شوهر به استثنای عقار و نیز از قیمت ساختمانها ارث می برد. برخی از فقها این حکم را به زمینهای کشاورزی و قریه ها نیز توسعه داده اند. سید مرتضی ارث زن از عین زمین را ممنوع دانسته نه از قیمت آن.

نزد فقهای ما چنین معروف است بلکه ادعای اجماع شده که زوجۀ از عین رباع (زمین خانه مسکونی) و همچنین از قیمت آنها ارث نمی برد، فقط از قیمت ابزار و مصالح و ساختمانها ارث می برد. برخی از فقها، زمینهای کشاورزی (ضیاع) و قریه ها را نیز بر آن افزوده اند و مطرح کرده اند که زوجۀ هیچ ارثی از زمینها نمی برد و فقط از قیمت درختها و ساختمانها ارث می برد.

## ۵. ادله حدود میراث زوجۀ

ادله حدود میراث عبارت است از اجماع، آیات قرآن و روایات که به بیان و بررسی هریک می پردازیم.

### ۵-۱. اجماع

برخی از فقهای متأخر مانند صاحب ریاض و محقق نراقی که قائل به اطلاق محرومیت زوجۀ از ارث زمین از هر دو ناحیه هم از ناحیه زمین، چه مسکونی و چه زراعی و هم از



هیچ ارث نمی‌برند. (شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ هـ ق، ج ۲۶؛ ص ۲۰۷، ح ۴)

مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ فِي بَصَائِرِ الدَّرَجَاتِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ بِشِيرٍ (عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي مَخْلَدٍ) عَنْ عَبْدِ الْمَلِكِ قَالَ: دَعَا أَبُو جَعْفَرٍ بِكِتَابِ عَلِيٍّ - فَجَاءَ بِهِ جَعْفَرٌ مِثْلَ فَخِذِ الرَّجُلِ مَطْوِيًّا فَإِذَا فِيهِ أَنَّ النِّسَاءَ لَيْسَ لَهُنَّ مِنْ عَقَارِ الرَّجُلِ (إِذَا تُوُفِّيَ عَنْهُنَّ) شَيْءٌ فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ هَذَا وَاللَّهِ خَطُّ عَلِيٍّ بِيَدِهِ وَإِمْلَاءُ رَسُولِ اللَّهِ ۱. (شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ هـ ق، ج ۲۶، ص ۲۱۲، ح ۱۷)

صاحب وسایل به سند خود از کتاب بصائر الدرجات از محمد بن حسین، از جعفر بن بشیر، از حسین بن ابی‌مخلد - در نسخه بصائر الدرجات از حسین، از ابی‌مخلد، از عبد‌الملک - نقل کرده است که امام باقر × کتاب علی را خواست، فرزندش جعفر × آن کتاب را که مانند ران مرد قطور بود آورد، در آن آمده بود زنان از عکار مرد پس از مرگش هیچ بهره‌ای ندارند. سپس امام باقر × فرمود: به خدا سوگند این دست خط علی × و املائی پیامبر است. **دسته دوم: روایاتی که ظاهر آنها دلالت بر محرومیت زوجه از ارث عکار و ضیاع و ارث بردن او از عین ساختمان دارد:**

۱. وَ عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حُمَرَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ وَ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ أَنَّ النِّسَاءَ لَا يَرِثْنَ مِنَ الدُّوْرِ وَ لَا مِنَ الضِّيَاعِ شَيْئًا إِلَّا أَنْ يَكُونَ أَخَذَتْ بِنَاءٍ فَيَرِثْنَ ذَلِكَ الْبِنَاءَ. (شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ هـ ق، ج ۲۶، ص ۲۱۰، ح ۱۳ / تهذیب الأحکام، ج ۹، ص ۳۰۰، استبصار، ج ۴، ص ۱۵۳)

زنان از خانه‌ها و ضیاع - اراضی کشاورزی - هیچ ارث نمی‌برند، مگر آنکه ساختمانی احداث شده باشد که در این صورت از ساختمان ارث می‌برند.

ظاهر عبارت «فیرثن ذلك البناء» این است که از عین ساختمان ارث می‌برند نه فقط از قیمت آن.

۲. عَنْهُمْ عَنْ سَهْلٍ (و عَنْ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ) عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَلَاءٍ عَنْ

مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ \* تَرِثُ الْمَرْأَةُ الطُّوبَ وَ لَا تَرِثُ مِنَ الرَّبَاعِ شَيْئًا قَالَ قُلْتُ: كَيْفَ تَرِثُ مِنَ الْفَرْعِ وَ لَا تَرِثُ مِنَ الرَّبَاعِ شَيْئًا فَقَالَ لَيْسَ لَهَا مِنْهُ نَسَبٌ تَرِثُ بِهِ وَ إِنَّمَا هِيَ دَخِيلٌ عَلَيْهِمْ فَتَرِثُ مِنَ الْفَرْعِ وَ لَا تَرِثُ مِنَ الْأَصْلِ وَ لَا يَدْخُلُ عَلَيْهِمْ دَاخِلٌ بِسَبَبِهَا. (شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ ق، ج ۲۶، ص ۲۰۶، ح ۲ / کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۲۹ هـ، ج ۷، ص ۱۲۸، ح ۵ / التهذیب ۹- ۲۹۸- ۱۰۶۷ / الاستبصار ۴- ۱۵۲- ۵۷۳).

امام صادق \* فرمود: زن از آجرها ارث می‌برد و از رباع هیچ ارث نمی‌برد. محمد بن مسلم می‌گوید:

پرسیدم: چگونه زن از فرع ارث می‌برد و از رباع [درکافی: از اصل] هیچ ارث نمی‌برد؟ امام فرمود: زن نسبی با موّث [در کافی: با ورثه] ندارد که به واسطه آن ارث ببرد، زن فقط دخیل بر ورثه است؛ بنابراین از فرع ارث می‌برد و از اصل ارث نمی‌برد و هیچ کس به سبب نسبت داشتن با زن، جزء ورثه نمی‌شود.

عین همین روایت را حمیری نیز در قرب الاسناد. از سندی بن محمد، از علاء بن زرین مستقیماً و بی واسطه از محمد بن مسلم از امام صادق \* نقل کرده است. (حمیری، عبد الله بن جعفر، ۱۴۱۳ هـ، ص ۵۶)

### دسته سوم: روایاتی است که دلالت بر تفصیل در ارث زوجه دارند

اکثر روایات میراث زن و شوهر در این دسته جای دارند و لسان آنها نیز مختلف است براساس این روایات، زوجه از خانه‌ها و عقار و زمینها ارث نمی‌برد، ولی از قیمت ساختمان و آلات و مصالح ساختمانی ارث می‌برد. همچنین در ذیل برخی از این روایات، علت محرومیت زوجه را چنین بیان داشته: «لأنّلا یتزوّجن فیفسدن علی أهل الموارث موارثهم، تا زنان با ازدواج با دیگری، میراث ورثه را تباه نسازند».

متن این دسته از روایات:

الف. مُحَمَّدُ بْنُ یَعْقُوبَ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ یَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ عَنْ حَمِيدِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ ابْنِ سَمَاعَةَ جَمِيعاً عَنْ ابْنِ مَجْبُوبٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ رِثَابٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ \* أَنَّ الْمَرْأَةَ لَا تَرِثُ مِمَّا تَرَكَ

زَوْجُهَا مِنَ الْقَرَى وَالدُّورِ وَالسَّلَاحِ وَالدَّوَابِّ شَيْئاً وَتَرِثُ مِنَ الْمَالِ وَ الْفُرْشِ وَ  
النِّيَابِ وَ مَتَاعِ الْبَيْتِ مِمَّا تَرَكَ وَ تُقَوِّمُ النَّقْصَ وَ الْأَبْوَابَ وَ الْجُدُوعَ وَ الْقَصَبَ فَتُعْطَى  
حَقَّهَا مِنْهُ. (شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، ج ۲۶؛ ص ۲۰۵، ح ۱/ کافی، ج ۷، ص  
۱۲۷، ح ۲)

زن از قریه‌ها و خانه‌ها و سلاح و چهارپایان شوهرش هیچ ارث نمی‌برد، و از مال و  
فرش و لباسها و اثاث خانه ارث می‌برد. مصالح ساختمان‌ی و درب‌ها و چوب‌ها و  
حصیرها قیمت شده و حق او از آنها داده می‌شود.

شیخ طوسی نیز همین حدیث را با اسناد خود از احمد بن محمد، از حسن بن محبوب،  
از علی بن رثاب، از زراره و خطاب بن ابی‌محمد همدانی از طربال بن رجاء از امام صادق ×  
روایت کرده است. (استبصار، ج ۴، ص ۱۵۳، ح ۹)

ب. وَ عَنْهُمْ عَنْ سَهْلٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبَانَ الْأَحْمَرِ قَالَ لَا أَعْلَمُهُ إِلَّا عَنْ  
مُسَيَّرِ بِيَاعِ الرُّطَيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ × قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ النِّسَاءِ مَا لَهُنَّ مِنَ الْمِيرَاثِ قَالَ  
لَهُنَّ قِيمَةُ الطُّوبِ وَ الْبِنَاءِ وَ الْخَشَبِ وَ الْقَصَبِ فَأَمَّا الْأَرْضُ وَ الْعَقَارَاتُ فَلَا مِيرَاثَ  
لَهُنَّ فِيهِ قَالَ قُلْتُ: فَالْبَنَاتُ<sup>۱</sup> قَالَ الْبَنَاتُ لَهُنَّ نَصِيبُهُنَّ (مِنْهُ) قَالَ قُلْتُ: كَيْفَ صَارَ ذَا  
وَ لِهَذِهِ الثُّمُنُ وَ لِهَذِهِ الرُّبُعُ مُسَمًّى قَالَ لِأَنَّ الْمَرْأَةَ لَيْسَ لَهَا نَسَبٌ تَرِثُ بِهِ وَ إِنَّمَا هِيَ  
دَخِيلٌ عَلَيْهِمْ إِنَّمَا صَارَ هَذَا كَذَا لِئَلَّا تَتَزَوَّجَ الْمَرْأَةُ فَيَجِيءَ زَوْجُهَا أَوْ وَلَدُهَا مِنْ قَوْمٍ  
آخَرِينَ فَيَرَا حِمَّ قَوْمًا آخَرِينَ فِي عَقَارِهِمْ. (شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، ج ۲۶؛  
ص ۲۰۶، ح ۳/ کافی، ج ۷، ص ۱۳۰، ح ۱۱)

زنان از قیمت آجر و ساختمان و چوب و حصیر ارث می‌برند، اما میراثی در زمین و  
عقارات ندارند. راوی می‌گوید: پرسیدم: دختران چه؟ امام فرمود: دختران از زمین و عقار ارث  
می‌برند. پرسیدم: چگونه است، در حالی که زن یک هشتم یا یک چهارم مسمای میراث را  
دارد؟ امام فرمود: برای این که زن با این خاندان بیگانه است و نسبی ندارد که به سبب آن ارث

<sup>۱</sup>. در وسائل الشیعه «فالبنات» آمده است و بدان معناست که راوی از ارث دختران پرسیده است، اما در متن  
کافی و استبصار لفظ «فالنیاب» آمده است. در این صورت معنای حدیث این است که راوی در باره ارث زوجه از  
لباسها پرسیده است و امام × در پاسخ فرمود: زنان از لباسها ارث می‌برند.

ببرد. این حکم - محرومیت زن از زمین و عقار - از آن روست که شاید زن با کسی دیگری ازدواج کند و شوهر یا فرزندان او که از قوم دیگری هستند مزاحم زمین و عقار ورثه شوند. این حدیث را نیز شیخ طوسی با اسناد خود از سهل روایت کرده است. (استبصار، ج ۴،

ص ۱۵۲-۱۵۱)

ج. وَ عَنْ عَلِيٍّ بْنِ اِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ اُذَيْنَةَ عَنْ زُرَّارَةَ وَ بُكَيْرٍ وَ فَضِيلٍ وَ بُرَيْدٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ وَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع (مِنْهُمْ مَنْ رَوَاهُ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع) مِنْهُمْ مَنْ رَوَاهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع وَ مِنْهُمْ مَنْ رَوَاهُ عَنْ أَحَدِهِمَا أَنَّ الْمَرْأَةَ لَا تَرِثُ مِنْ تَرَكَةِ زَوْجِهَا مِنْ تَرْبَةِ دَارٍ أَوْ أَرْضٍ إِلَّا أَنْ يَقَوْمَ الطُّوبُ وَ الْخَشَبُ قِيمَةً فَتُعْطَى رُبْعَهَا أَوْ ثُمْنُهَا (شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة. ج ۲۶؛ ص ۲۰۷، ح ۵ / کافی، ج ۷، ص ۱۲۸، حدیث ۳)

زن از خاک خانه یا زمین از میراث شوهر خود ارث نمی‌برد، مگر اینکه آجر و چوب قیمت می‌شود و یک چهارم یا یک هشتم که سهم زوجه است به او داده می‌شود.

شیخ طوسی نیز این حدیث را با اسناد خود از علی بن حکم روایت کرده ولی در پایان آن افزوده شده است: «إِنْ كَانَتْ مِنْ قِيَمَةِ الطُّوبِ وَ الْجَذُوعِ وَ الْخَشَبِ». (استبصار، ج ۴، ص ۱۵۱)

د. وَ عَنْ عَلِيٍّ بْنِ اِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ زُرَّارَةَ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: لَا تَرِثُ النِّسَاءُ مِنْ عَقَارِ الدُّوْرِ شَيْئاً وَ لَكِنْ يَقَوْمُ الْبِنَاءُ وَ الطُّوبُ وَ تُعْطَى ثُمْنُهَا أَوْ رُبْعُهَا قَالَ وَ إِنَّمَا ذَلِكَ لِئَلَّا يَتَزَوَّجَنَّ فَيَفْسِدَنَّ عَلَى أَهْلِ الْمَوَارِثِ مَوَارِثُهُمْ. (شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، ج ۲۶؛ ص ۲۰۸، ح ۷ / کافی، ج ۷، ص ۱۲۹، ح ۶)

زنان از زمین خانه‌ها هیچ ارث نمی‌برند، ولی ساختمان و آجرها قیمت شده و یک هشتم یا یک چهارم قیمت آنها به آنان پرداخت می‌شود. این حکم از آن روست که ممکن است زنان با شخص دیگری ازدواج کرده و میراث ورثه را بر آنان تباه سازند.

ظاهر روایت اختصاص به زمین خانه دارد و گر نه قید «الدور» لغو و زاید است

## در بیان ارث زوجه از اموال غیر منقول زوج باید به چند نکته توجه داشت

نکته اول: نظراتی که فقها مطرح می‌کنند با صریح قرآن همخوانی ندارد

نکته دوم: قرآن قطعی الصدور و ظنی الدلالة است و باید برای دلالت آن به روایت رجوع کنیم

نکته سوم: محتوای روایات همگون نیست و آنچه می‌توان فهمید این است که در ارث زوجه از زوج اجمالاً محرومیتی برای زوجه هست.

نکته چهارم: در ظاهر روایات، حرمان زوجه از اراضی، خانه‌ها و مسکن است که برخی روایات حرمان را عیناً بیان نموده و برخی عیناً نمی‌دانند.

نکته پنجم: حکمتی که در بعضی از این روایات بیان شده (برخی به صورت حکمت و بعضی به صورت علت) دائر مدار حکم نیست حال آن که علت دائر مدار حکم است.

نکته ششم: حرمانها در خیلی از روایات از عین است نه از قیمت

نکته هفتم: آنچه از زمین بود زن از قیمت آن ارث می‌برد

نکته هشتم: در بنا فرقی نیست که بنای خانه باشد، مغازه باشد، حمام باشد، اصطبل باشد از قیمت تمام اینها ارث می‌برد؛ در شجر هم فرقی بین شجر کبیر و صغیر و خشک شده قائل نشده‌اند

آنچه باید به آن توجه کرد این است که در گذشته زمین ارزشی نداشته لذا چنین بیان شده که زمین مال خداست و اگر کسی زمینی را آباد کرد و بعد آن زمین را رها کرد و بایر شد و کس دیگری آن را آباد کرد زمین مال اوست. اما اکنون وضعیت زمین تغییر کرده و برای تملک موضوعیت یافته است.

از آنجا که احکام تابع موضوعات است لذا حکم حرمان زوجه از زمین به دلیل موضوعیت یافتن زمین نیاز به بازنگری دارد.

مسألة ۶. مقصود از اعیانی که زوجه از قیمت آنها ارث می‌برد آن اعیانی است که در وقت مردن، موجود باشند.

پس اگر نما و زیاده عینی از وقت مردن تا وقت تقسیم، از آنها پیدا شود از این نما و زیادی ارث نمی‌برد.

## ۶. معیار در قیمت‌گذاری

معیار در قیمت، روز دفع است نه روز مرگ؛ پس اگر قیمت آن بر قیمت وقت مرگ بیشتر شود از آن ارث می‌برد. و اگر قیمت کم شود از سهم او کم می‌شود، البته با تفاوت دو قیمت، احتیاط مصالحه است. (خمینی، سید روح الله، ج ۲، ص: ۳۹۸)

در تفاوت دو قیمت بین روز مرگ و روز دفع در صورت ارتقاء قیمت، به زوجه قیمت روز دفع پرداخته می‌شود اما در صورت تنزل قیمت شایسته است در صورت کوتاهی ورثه در پرداخت سهم الارث زوجه متوفی قیمت روز مرگ به او پرداخت گردد و به بیانی دیگر جبران به عهده ورثه است اما در صورتی که ورثه در پرداخت سهم الارث زوجه متوفی کوتاهی نکرده باشند شایسته است که مصالحه صورت گیرد.

راه قیمت‌گذاری این است که مصالح و درخت و نخل در حالی که مجانا تا اینکه از بین رود در زمین باقی بماند قیمت شود و حصه‌اش از آن داده می‌شود.

پس اگر قیمت آنها در حالی که ثابتند تا اینکه از بین بروند از آن در حالی که ثابت نباشند زیادتر باشد زیادی مال زن می‌باشد. (خمینی، سید روح الله، ج ۲، ص: ۳۹۸ مسئله ۸)

## نتیجه

با توجه به اینکه ظاهر آیات اطلاق در ارث بردن زوج از زوجه دارد و از طرف دیگر محتوای روایات در باب ارث بردن زوجه از زوج نا همگون است می‌توان چنین بیان داشت که اصل محرومیت اجمالی میراث زوجه از اموال غیر منقول زوج مورد قبول است و در حدود آن می‌توان به اقل آن که عین زمین است اکتفا کرد. بنابر این زوجه از اموال منقول و قیمت اموال غیر منقول زوج ارث می‌برد که ماده ۹۴۶ و ۹۸۴ قانون مدنی کشور نیز بر همین حکم استوار است.

## کتابنامه

### قرآن کریم.

۱. آبی، فاضل، حسن بن ابی طالب یوسفی، کشف الرموز فی شرح مختصر النافع، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسين حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۱۷ هـ.ق.
۲. ابو الحسين، احمد بن فارس بن زکریا، معجم مقائیس اللغة، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۰۴ هـ.ق.
۳. بغدادی، مفید، محمد بن محمد بن نعمان عکبری، المقنعة (للشیخ المفید)، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ هـ.ق.
۴. بهجت گیلانی، فومنی، محمد تقی، رساله توضیح المسائل (بهجت)، انتشارات شفق، قم - ایران، ۹۲، ۱۴۲۸ هـ.ق.
۵. تبریزی، جعفر سبحانی، رساله توضیح المسائل (سبحانی)، در یک جلد، مؤسسه امام صادق، قم - ایران، ۱۴۲۹ هـ.ق.
۶. حلبی، ابوالصلاح، تقی الدین بن نجم الدین، الکافی (فی الفقه)، کتابخانه عمومی امام امیر المؤمنین، اصفهان، ۱۴۰۳ هـ.ق.
۷. حلی، ابن ادريس، محمد بن منصور بن احمد، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسين حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۰۶ هـ.ق.
۸. حلی، فخر المحققین، محمد بن حسن بن یوسف ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد، مؤسسه اسماعیلیان قم - ایران ۱۳۸۷ هـ.ق.
۹. حلی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، مختلف الشیعه فی احکام الشریعه، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسين قم، قم، ۱۴۱۳ هـ.ق.
۱۰. حلی، محقق، نجم الدین، جعفر بن حسن، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام، مؤسسه اسماعیلیان، قم، ۱۴۰۸ هـ.ق.
۱۱. حلی، محقق، نجم الدین، جعفر بن حسن، المختصر النافع فی فقه الإمامیه، مؤسسة المطبوعات الدینیة، قم، ۱۴۱۸ هـ.ق.

۱۲. حمیری، عبد الله بن جعفر، قرب الإسناد، مؤسسة آل البيت<sup>هـ</sup>، قم، ۱۴۱۳ هـ ق.
۱۳. خمینی، سید روح الله موسوی، تحریر الوسيلة، مؤسسه مطبوعات دار العلم، قم، بی تا.
۱۴. خمینی، سید روح الله موسوی، توضیح المسائل (امام خمینی)، ۱۴۲۶ هـ ق.
۱۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، دارالعلم، بیروت، ۱۴۱۲ هـ ق.
۱۶. شریف مرتضی، علی بن حسین موسوی، الانتصار فی انفرادات الإمامیه، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۱۵ هـ ق.
۱۷. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، انتشارات ناصر خسرو، تهران، ۱۳۷۲.
۱۸. طرابلسی، ابن براج، قاضی، عبد العزیز، المذهب، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۰۶ هـ ق.
۱۹. طریحی، فخر الدین، مجمع البحرين، کتابفروشی مرتضوی، تهران، ۱۴۱۶ هـ ق.
۲۰. عاملی، شهید ثانی - زین الدین بن علی، مسالک الافهام الی تنقیح شرایع الاسلام، مؤسسه المعارف الاسلامیه، قم، ۱۴۱۳ هـ ق.
۲۱. طوسی، محمد بن الحسن، الإستبصار فیما اختلف من الأخبار، دار الکتب الإسلامیه، تهران، ۱۳۹۰ هـ ق.
۲۲. طوسی، محمد بن الحسن، تهذیب الأحکام، دار الکتب الإسلامیه، تهران، ۱۴۰۷ هـ ق.
۲۳. طوسی، محمد بن حسن، النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی، دار الکتب العربی، بیروت - لبنان، دوم، ۱۴۰۰ هـ ق.
۲۴. عاملی، شیخ حر، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، قم، چاپ: اول، ۱۴۰۹ هـ ق.
۲۵. قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دار الکتب الإسلامیه، تهران - ایران، ششم، ۱۴۱۲ هـ ق.
۲۶. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، دار الحدیث، قم، ۱۴۲۹ هـ ق.
۲۷. گلپایگانی، سید محمد رضا موسوی، مجمع المسائل (للگلپایگانی)، دار القرآن الکریم، قم - ایران، دوم، ۱۴۰۹ هـ ق.
۲۸. لنکرانی، محمد فاضل موحدی، تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسيلة - الطلاق، الموارث، مرکز فقهی ائمه اطهار<sup>هـ</sup>، قم - ایران، اول، ۱۴۲۱ هـ ق.
۲۹. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، مرکز الکتب للترجمة و النشر، تهران

- ایران، اول، ۱۴۰۲ هـ.ق .

۳۰. مکارم شیرازی، ناصر، احکام بانوان (مکارم)، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب ×، قم

- ایران، یازدهم، ۱۴۲۸ هـ.ق.

نوری، محدث، میرزا حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، مؤسسه آل البيت ^،

بیروت- لبنان، ۱۴۰۸ هـ.ق.